

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰/۱۲/۲۸

د افغانستان چه می گذرد؟

(۹۷)

دو حمله انتحاری در یک روز:

به تاریخ ۱۹ دسمبر در کابل و کندز دو حمله انتحاری از سوی طالبان سازماندهی و عملی گردید. به ساعت هفت و نیم صبح در نزدیکی هودخیل یک موتر سرویس که منسوبان وزارت دفاع را به آن وزارت انتقال می داد، توسط یک انتحاری متوقف شد و قبل از آن که موتر را منفجر کنند، یک موتر رنجر اردو را متوقف کرده و دو سر نشین او را به قتل رساندند، بعد از آنکه قوای پولیس سر رسید، انتحاری اول خود را در کنار این موتر انفجار داد که سه نفر از سرنشینان موتر کشته و نه تن دیگر زخمی شدند و موتر در میان شعله های آتش سوخت. انتحاری دیگر با پولیس به مقابله برخاست که قبل از آنکه مواد انفجاری بسته بر بندش را منفجر سازد به قتل رسید. سخنگویان طالبان تعداد کشته های این عملیات را ۱۳ نفر اعلان کردند. پولیس فکر می کرد که انتحاری سومی هم وجود دارد، اما تا نیمه روز که این منطقه را محاصره کرده و تجسس کردند، کس دیگری را نیافته، بعد طالبان نیز از بودن دو انتحاری در این عملیات یاد کردند.

همچنان به همین تاریخ به ساعت نه صبح سه نفر انتحاری به مرکز تعلیمی اردو در کندز حمله کردند. ابتداء یک انتحاری در کنار دروازه ورودی خود را منفجر ساخت و بعد دو انتحاری دیگر داخل این محوطه گردید که با تبادل متقابل آتش دو پولیس و سه تن از افراد اردو به قتل رسیدند و ساعت نه و نیم در اثر آتش متقابل دو انتحاری دیگر هم کشته شدند. این دو عملیات در دو نقطه جدا گانه در یک زمان نشان داد که طالبان نمی خواهند به پروسه به اصطلاح صلحی که دولت افغانستان و امریکائی ها به راه انداخته اند، بپیوندند.

در این روز ها که عملیات انتحاری بسیار کم صورت می گرفت و حدود چند ماه است که چنین عملیاتی در کابل به راه نیفتاده، هم مک مولن لوی درستیز قوای امریکا و هم جنرال پترئوس قومندان عمومی نیرو های امریکا و ناتو در افغانستان، اخیراً تأکید داشته اند که طالبان در افغانستان شکست خورده و مقاومت آنان کاهش یافته است. لذا

طالبان با این حمله نشان دادند که نه شکست خورده و نه ضعیف شده و می توانند در قلب کابل حمله کنند و بر مراکز تعلیمی نیرو های نظامی دولت یورش ببرند.

سخنگوی وزارت داخله:

زمری بشری سخنگوی وزارت داخله دولت پوشالی به تاریخ ۱۸ دسمبر اعلان کرد که در طول هفته گذشته، در جریان درگیری با طالبان ۵۲ غیر نظامی کشته و ۴۷ تن دیگر زخمی شده اند که با این آمار تلفات غیر نظامیان در این هفته ۷۶ درصد افزایش یافته بود. در جریان این هفته ۲۸ طالب کشته، ۶ زخمی و ۱۳۲ تن دیگر دستگیر شده اند که به این اساس تلفات طالبان در این هفته نسبت به هفته قبل ۲۴ درصد کاهش داشته است. وی ضمناً گفت که در جریان این هفته ۱۱ پولیس کشته و ۴۲ پولیس دیگر زخمی شده اند که نسبت به هفته قبل ۳۸ درصد افزایش را نشان می دهد.

ضمناً به روز ۱۹ دسمبر در اثر انفجار یک مین در ولسوالی پنجوائی ولایت قندهار بر یک موتر شخصی که در آن مردم ملکی سوار بودند، یک طفل کشته و ۴ تن دیگر زخمی شدند. این موتر که از نوع سراچه بود و از پنجوائی به سمت شهر قندهار در حرکت بود در نزدیک قلعه لعل خان با مین اصابت کرد و این همه کشته و زخمی به بار آورد. این مین توسط طالبان جا گزاری شده و عوض انفجار بر نیرو های نظامی این موتر ملکی را هدف قرار داد. در سی سال اخیر هیچ شهری در جهان به اندازه قندهار مین گذاری نشده و این همه تلفات نداشته است. از چند سال به این سو که نیرو های خارجی در افغانستان تا ۱۵۰ هزار نفر رسیده است و طالبان قادر به جنگ رویاروی با این نیرو ها نیستند ، عموماً به عملیات انتحاری و جنگ مین رو آورده اند. تحقیقات تا حال نشان داده است که بیشتر این مین ها در غرب و جنوب افغانستان از سوی ایرانی ها در اختیار طالبان قرار داده می شود و به این خاطر بیشترین تلفات مین هم در این ولایات وجود دارد.

پسر حقانی در مسیر میرانشاه دستگیر شد:

به تاریخ ۲۳ سپتمبر اعلان شد که استخبارات پاکستان، نصرالدین حقانی مشهور به داکتر خان، پسر جلال الدین حقانی را که رهبر یکی از گروه های جنایتکار بنیاد گرا است در مسیر پشاور – میرانشاه با چهار نفر از همراهانش به شمول ملا محمد جان یکی از قومندانان مهم این گروه گرفتار نموده است. نصرالدین حقانی که از مادر عرب به دنیا آمده در زمان بازگشت از مکه با مقدار زیادی پول که از بادران عربی خود جمع آوری کرده بود دستگیر شد و به زندان خاص استخبارات پاکستان انتقال یافت و نشرات غربی نوشت که به خاطر افشاء نشدن برخی از راز های این گروه با آی اس آی ، پاکستانی ها حاضر نشده اند که امریکائی ها از نصرالدین حقانی تحقیق کند، در حالیکه هر آدم نیمه با سواد که از رابطه استخبارات پاکستان و امریکا کمترین چیزی بداند، این را می فهمد که امریکائی ها در پاکستان هر کاری دل شان بخواهد انجام داده می تواند و گرفتاری افرادی مثل پسر حقانی برایشان از خوردن آب هم آسانتر است.

نصرالدین حقانی یکی از پسران جلال الدین حقانی است که همیشه برای گروه پدرش از عربستان سعودی و امارات پول جمع آوری می کند و پیوسته در این کشور ها و پاکستان در رفت و آمد قرار دارد. این گروه با وجود هماهنگی با گروپ طالبان و همگامی با سازمان القاعده در جنگ افغانستان، گروه مجزای از طالبان به حساب آمده، یکی از جانی ترین گروه های طالبان است که نسبت به بخش های دیگر طالبان خونخوار تر و در پیوند بیشتر با اعراب

کثیف بنیاد گرا و آدمکش قرار دارد. پول بیشتر دارد و انتحاری بیشتر خریداری کرده می تواند. مردم عادی را بیشتر می کشد و از آن بیشتر لذت می برد و خود حقانی زمانی از قومندانان گلبدین بود، اما بعد به مولوی خالص پیوست و بعد تر خود گروه مستقلی را ساخت و بیشترین پول اعراب را زمانی به دست آورد که زن عربی گرفت و حال خودش همیشه در امارات و سعودی زندگی می کند و پسر جنایتکار او سراج الدین حقانی این گروه را رهبری می نماید. مرکز گروه حقانی در وزیرستان شمالی می باشد.

نصرالدین حقانی، از افراد مهم گروه حقانی به شمار نمی رود، اما او همیشه در رفت و آمد و سفر به کشور های عربی، مخصوصاً عربستان سعودی و امارات متحده بوده و برای این جریان پول جمع آوری می کند. رهبری این جریان را فعلاً سراج الدین حقانی، برادر ارشد نصرالدین حقانی به عهده دارد.

در دو ماه قبل که قرار بود اردوی پاکستان بر وزیرستان جنوبی عملیات گسترده ای را انجام دهد، رسانه های خارج و داخل پاکستان گزارش دادند که آی اس آس در تلاش است تا پایگاه های حقانی را از اطراف میرانشاه به کوه های هم مرز با افغانستان انتقال دهد و قبل از آن تلاش کردند تا مشکل میان گروه حقانی و قبیله شیعۀ توری را حل بسازد و تبادل اسیر نماید. به این صورت آی اس آن کوشید تا جنگجویان این گروه را از رویارویی با نیرو های اردوی پاکستان باز دارند. لذا گروه حقانی یکی از گروه های بسیار نزدیک به اردوی پاکستان است. اینکه چرا در چنین شرایطی دولت پاکستان خواست تا پسر حقانی را دستگیر کند، شاید هم در جریان سفر حج با برخی از سران تسلیم شده ای طالب به دولت افغانستان بدون اجازه ای پاکستان دیدار کرده باشد چند علت و از اصل تعهد این گروه نسبت به اردوی پاکستان عدول کرده باشد، محتمل به نظر می رسد.

وقتی رهبران طالبان و مشخصاً افراد با نامی چون پسران حقانی می توانند، در پاکستان چند نوع پاسپورت داشته باشند، از میدان ها و خطوط هوایی پاکستان در سفر های شان به کشور های عربی استفاده کنند، پس چیزی نزد آی اس آی در این مورد پت و پنهان نبوده، هر وقت بخواهد، دست به چنین کاری زده می تواند. اینکه در این زمان مشخص نصرالدین حقانی را دستگیر می کند، با نا فرمانی که در بالا ذکر شد می تواند رابطه داشته باشد. یکی از مواردی که اردوی پاکستان و آی اس آی در برابر آن شدیداً حساس می باشند، مذاکرات طالبان با عوامل دولت افغانستان است، پاکستان همیشه خواسته که اگر چنین مذاکراتی صورت میگیرد باید، زیر نظر، اداره و کنترل او قرار داشته باشد، نه اینکه طالبان به اختیار خود دست به چنین اقدامی بزنند. سال گذشته، وقتی ملا برادر می خواست از چنین اصلی سرکشی کند، با چند تن از یاران نزدیکش دستگیر و زندانی شد و بعد رها گردید که معلوم نیست اکنون در کجا زندگی می کند در چه روابطی با آی اس آی قرار دارد.

تاثیر دستگیری نصرالدین حقانی با آنچه در نشرات غربی عنوان می شود، آن قدر نیست، چون همین حالا دهها و صد ها قومندان حقانی دروزیرستان فعال اند و مطمئناً که شریان پولی گروه حقانی به دست تنها نصرالدین نبوده، در اوضاع امروزی می تواند از دهها طریق دیگر این امکانات پولی را به دست آورد. گروه حقانی بیشتر در پکتیا، پکتیکا، خوست، زابل و کابل فعال است و نسبت به بخشهای دیگر طالبان متحرک تر است و انتحاری های بیشتری در اختیار دارد و بیشتر عملیاتی که در کابل سازماندهی شده به این گروه مرتبط بوده است. لذا با این همه امکانات وسیع و رابطه گسترده، مطمئناً دستگیری نصرالدین حقانی چندان اثری بر کار این گروه نخواهد داشت و هم به زودی توسط پاکستانی ها رها خواهد شد و بار دیگر چون مزدور از او کار خواهند کشید.

وزارت مالیه و بلند بردن تکس گمرکی:

افغانستان با این همه آب، زمین، معدن و موقعیت خاص جغرافیائی می تواند یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان باشد، اما به علت چپاولگری حاکمان دوره های متعدد قدرت، فساد همیشگی، تجاوز و اشغال سوسیال امپریالیست های روس و اینک تجاوز امپریالیزم امریکا و جنایتکاران متحد و جنگهای تحمیلی، افغانستان اکنون بعد از سودان، دومین کشور فقیر جهان می باشد و بخش اعظم عاید خود را از طریق تکس های گمرکی به دست می آورد. گمرک های که چون هر کشور اشغالی و دولت های پوشالی در فساد و غارت چنان غرق اند که بیش از نیمی از این عواید به جیب پوشالیان فرو می رود.

با تمام این فقر و بدبختی توده های مردم، وزارت مالیه در این روز ها با تأیید شورای وزیران دولت پوشالی، دست به دامن گمرک ها شده، تکس اموال وارداتی را ۲۵ درصد افزایش داده و فغان مردم بلند شده است. وزارت مالیه دلیل بلند بردن تکس بر اموال وارداتی را دفاع «اخلاقی» از تولید داخلی و بلند بردن سطح عایدات دولت برای تأمین سوم حصه بودجه عادی عنوان کرده است. این در حالیست که افغانستان در برابر این واردات هیچ بدیل تولیدی ندارد. لذا از یکطرف مردم مجبور اند که همچنان از کالا های وارداتی خریداری کنند و از سوی دیگر تاجران به خاطر بلند رفتن تکس های وارداتی، بهای کالا های شان را چند برابر بلند تر ببرند، چون این تکس های بلند هرگز مانع ورود کالا ها شده نمی توانند، به خاطری که افغانستان با این اشغال و بی امنی کالای داخلی ندارد تا در برابر کالا های خارجی با این تکس های بلند رقابت کنند و سطح تولید خود را حفظ بدارد و مردم به سوی کالا های داخلی رو نمایند. لذا در آخرین تحلیل پس لگد این بلند بردن تکس ها متوجه مردم خواهد بود. تاجران با این تکس ها نرخ اشیاء را چند برابر بالا برده و مردم فقیر و زحمتکش مجبور اند که این اشیاء را به هر قیمتی بخرند و چون دولت سیاست بازار آزاد را تبلیغ و به اجراء در آورده است تعیین نرخها و قیمت ها را هم مربوط خود ندانسته و هر طوری که سرمایه دران زالو صفت بخواهند، همانطور عمل می کنند. با این بلند بردن تکس ها از یکطرف جیب عمال قدرت در گمرک ها پر تر می شود و از سوی دیگر مردم زیر فشار چند لایه قیمت ها قرار می گیرند و به درستی وزارت مالیه، اخلاق دوران اشغال و پوشالی بودن دولتش را به نمایش می گذارد.